

با ۱۸۲ هزار تومان در ماه چگونه می‌توان زندگی کرد؟!

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

دستمزد، قیمت یک کالای معین، یعنی نیروی کار است. خریدار این کالا کارفرما و فروشنده آن نیز کارگر است. بنابراین، کارگر فقط با فروش نیروی کار خود چرخ زندگی خود و خانواده‌اش را می‌چرخاند. اگر این دستمزد در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته با تحقیقات کارشناسان کار و اشتغال دولتی و غیردولتی متناسب با تورم و گرانی واقعی در بازار تعیین می‌شود و در آن نمایندگان اتحادیه‌های کارگری با کارفرمایان به چانه زنی می‌پردازند. با این وجود باز هم کارگر در این معامله، همواره بازنده است. اما در کشورهایی مانند ایران که نه نمایندگان واقعی کارگران، بلکه نمایندگان ارگان‌های ضدکارگری حکومت در دورن طبقه کارگر، با نمایندگان حکومت و کارفرمایان در نشست‌های سه جانبه در غیاب نمایندگان واقعی کارگران، بر سر حداقل دستمزد میلیون‌ها کارگر تصمیم می‌گیرند. حکومت جمهوری اسلامی، در این ۲۸ سال حکومت ضدانسانی خود، هرگز حداقل دستمزد کارگران این کشور را متناسب با تورم واقعی تعیین نکرده است.

خبرگزاری کار ایران، در تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۶، با عنوان «یک خبری فوری»، نوشت: «عصر امروز (چهارشنبه) سومین جلسه شورای عالی کار برای بررسی حداقل دستمزد کارگران در سال ۸۶، با حضور وزیر کار و امور اجتماعی و نمایندگان کارگران و کارفرمایان تشکیل شد و بر مبنای توافقات به عمل آمده، مقرر شد حداقل مزد کارگران در سال ۱۳۸۶، معادل ۱۸۲ هزار تومان (روزانه معادل ۶۱ هزار ریال) باشد که با احتساب حق اولاد (حداکثر برای دو اولاد)، حق مسکن و بن خواربار، دریافتی کارگران در سال آینده به ۲۳۶ هزار تومان خواهد رسید که بدین ترتیب، در مقایسه با سال جاری ۱۸/۳ درصد رشد خواهد داشت. همچنین در این جلسه مقرر شد، حداقل افزایش سایر سطوح مزدی در سال آینده ۱۰ درصد باشد؛ به شرطی که کمتر از حداقل حقوق تعیین شده برای سال ۸۶ نشود. ضمناً سرجمع کلی افزایش سطوح مزدی، بیش از ۱۲/۵ درصد نخواهد بود. در پایان این جلسه، «چهرمی»، وزیر کار و امور اجتماعی، تعامل میان شرکای سه جانبه اجتماعی را در تعیین حداقل مزد کارگران در سال آینده مثبت ارزیابی کرد و خواهان مشارکت اعضای شورای عالی کار برای ایجاد زمینه‌های قانونی مناسب به منظور افزایش سطح مهارت فنی در جامعه کارگری شد.»

قبل از این، ستاد مزد حداقل حقوق و دستمزد کارگران در سال آینده را حدود ۳۰۰ هزار تومان به شورای عالی کار پیشنهاد کرده بود. پیش‌تر دو رقم ۲۲۰ و ۲۰۰ هزار تومان از سوی کانون هم‌آهنگی شورای اسلامی کار و خانه کارگر به عنوان حداقل دستمزد پیشنهاد شده بود که اکنون با توجه به رشد شتابان تورم رقم ۳۰۰ هزار تومان پیشنهاد شده است.

اصولاً ضوابط تعیین حداقل دستمزد براساس توصیه‌نامه شماره ۱۳۵ سازمان بین‌المللی کار، سطح عمومی دستمزدها در کشور، باید نیاز کارگران و خانواده‌های آنان، هزینه زندگی و تغییرات آن، مزایای تامین اجتماعی، استانداردهای نسبی زندگی دیگر گروه‌های اجتماعی و عوامل اقتصادی را تامین کند. در حالی که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، تعیین حداقل دستمزد، نه تنها حتی فاصله زیادی با معیارهای سازمان بین‌المللی کار دارد، بلکه هیچ تأثیری نیز در کاهش فقر نداشته و همواره قدرت خرید خانوار کارگری را کاهش داده است.

همزمان با اعلام خبر تعیین حداقل دستمزد و حقوق کارگران، در گزارشی تحت عنوان «بررسی خط فقر به تفکیک استان‌ها» توسط خبرگزاری‌های داخل کشور منتشر شده است. به موجب این گزارش در سال ۸۲، یک خانوار ۵ نفره شهری در استان تهران، برای عبور از خط فقر حداقل به ۴۰۰ هزار تومان در ماه نیاز داشت. همچنین یک خانوار در استان سیستان و بلوچستان که پایین‌ترین هزینه برای زندگی را در کشور دارد، برای عبور از خط فقر باید ۱۷۱ هزار و ۸۵۶ تومان در ماه درآمد داشته باشد.

حداقل هزینه خانوارهای ۵ نفره شهری در استان‌های مختلف در سال ۸۲، برای کردستان ۲۱۶ هزار تومان، فارس ۲۴۴ هزار و ۵۸۴ تومان و اصفهان ۲۸۲ هزار و ۶۱۱ تومان تعیین شده بود. بر اساس این تحقیق خانوارهای ۵ نفره استان تهران نیز، حداقل نیازمند ۲۹۴ هزار و ۹۴۲ تومان یعنی حدود ۴۰۰ هزار تومان درآمد در ماه برای خروج از فقر مطلق هستند. تازه این ارقام مربوط به سال ۸۲ است و اکنون حدود دو سال از آن تاریخ می‌گذرد. در این دو سال، تورم و گرانی افزایش یافته و حتی برخی اقلام مورد نیاز خانواده‌های کارگری، بیش از صد درصد افزایش یافته است. برای مثال در ماه‌های اخیر قیمت یک کیلو گوجه فرنگی، از ۱۲۰۰ تومان به ۳۰۰۰ تومان رسیده است. یک عدد تخم مرغ ۱۰۰ تومان و یک کیلو سیب زمینی ۱۰۰۰ تومان است. با حداقل دستمزد تعیین شده کنونی، دیگر کارگران توان خرید یک کیلو گوجه فرنگی در چند ماه یک بار را نیز نخواهند داشت.

در این میان میلیون‌ها کارگر درگیر بیکاری و گرانی و فقر هستند و به نان شبانه خود محتاج هستند. مسئولین جمهوری اسلامی رسماً اعلام کرده‌اند که حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیون نفر از جمعیت ایران، با کمک‌های ناچیز بینادهای زنده‌اند. در حالی که ارزیابی کارشناسان و صاحب‌نظران مستقل تعداد جمعیت زیر خط فقر مطلق را بین ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفر برآورد می‌کنند.

در این جا به چند نمونه از وضعیت اسفبار کارگران اشاره می‌کنیم: حدود دو هفته پیش اعلام شد که بیش از ده هزار کارگر با سابقه شهرستان پاکدشت، به بهانه بحران در واحدهای تولیدی و صنعتی این شهرستان از کار اخراج شده‌اند. بر اساس آخرین آمار، از ۸ هزار و ۸۰۰ واحد تولیدی و صنعتی پاکدشت، بیش از ۵۰ درصد آنها به صورت نصفه و نیمه کار خود را دنبال کرده و ۸ درصد این واحدها در سال ۸۵ به تعطیلی کشیده شده‌اند.

۲۹۵ کارگر کارخانه چیت سازی بهشهر ۶ ماه است که هیچ گونه حقوق و مزایایی نگرفته‌اند و کارخانه نیز تعطیل می‌باشد. این کارخانه قبلاً حدود ۱۷۶۰ کارگر داشت که با بحرانی شدن تولید کارخانه در سال ۷۷، کارفرما، ۶۰۰ کارگر جذب شده جدید را با پرداخت حق سنوات سالی ۴۵ روز تسویه حساب کرد و بیش از ۵۰۰ کارگر دیگر هم با طرح بازنشستگی کارهای سخت و زیان آور بازنشسته شدند.

کارگران شرکت کشتی سازی «اروند» در شهر آبادان در استان خوزستان ۲ ماه حقوق و برخی مزایای معوقه خود را تاکنون دریافت نکرده‌اند.

شرکت تولیدی «پویانخ» ایلام، تعطیل و ۳۵ کارگر این واحد نیز اخراج شدند. کارفرمای شرکت «نساجی مریم» در استان قم، این شرکت را با بهانه عدم سود دهی تعطیل و ۱۰۰ کارگر خود را اخراج کرد.

کارگران قراردادی فرودگاه شهرستان طیس ۵ ماه حقوق خود را دریافت نکرده و کارفرمایان شرکت‌های پیمانکاری نیز از رسیدگی به اعتراضات آنان خودداری می‌کنند.

شرکت کشت و صنعت مهاباد که ۵ کارخانه را در خود جای داده است، شامل حوزه‌های پرورش دام و طیور و کشتارگاه می‌باشد؛ اما هم اکنون با بحران شدید مواجه است. کارگران این شرکت، حدود ۲ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند.

کارگران کشتی سازی «اروند»، ۲ ماه حقوق نگرفته‌اند. این کارگران اعلام نمودند که از دی ماه تاکنون حقوق نگرفته و این موضوع با توجه به نزدیکی ایام نوروز و سال جدید مشکلات فراوانی برای آنان به وجود آورده است. بیش از ۱۸ کارگر خدماتی پیمانکاری فرودگاه طیس، بیش از ۵ ماه است که حقوق نگرفته‌اند. کارگران شرکت «قوه پارس»، در پی اعتراض به عدم دریافت ۸ ماه حقوق و مزایا و ادامه روند بلا تکلیفی وضعیت کارخانه، در خانه کارگر تجمع کردند. بسیاری از پیمانکاران در استان خوزستان بیش از سه ماه است که حقوق کارگران را پرداخت نکرده‌اند.

امسال ۲۵۰ هزار کارگر نانوا در سراسر کشور، بدون عیدی و پاداش به استقبال سال نو می‌روند. حدود ۲۰۰ هزار نانوا در سراسر کشور فعالیت دارند که این کارگران شاغل همچنان دستمزد سال ۸۳ را دریافت می‌دارند.

یک هزار و ۵۰۰ کارگر شرکت‌های زیگورات و پرلید مستقر در سد سیمره ایلام ۶ ماه است حقوق دریافت نکرده‌اند. این کارگران بیش از ۲ سال است که با تاخیر چند ماهه دستمزد خود را دریافت داشته و اعتراضات آنان در خصوص دستمزد دریافتی نتیجه‌ای در بر نداشته است.

کارگران شرکت «مازیران» نوشهر در استان مازندران، ۲ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده و شماری از آنان طی چند روز گذشته به دلیل اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان از سوی کارفرمایان اخراج شده‌اند.

۲۰۰ کارگر شرکت «پرسان» رشت، ۳۶ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند و مدیر عامل این شرکت نیز پس از دریافت وام ۳ میلیارد تومانی متواری شده است.

۱۰۰ کارگر شرکت نساجی «خاتم الانبیا» بوکان، ۳ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده و علی‌رغم اعتراضات آنان کارفرمایان هیچ اقدامی در این زمینه انجام نداده‌اند.

کارفرمایان شرکت «شیر پاستوریزه میاندوآب»، ۳ ماه حقوق و مزایای کارگران این شرکت را پرداخت نکرده‌اند. ۵۰۰ کارگر شرکت «نساجی خوی» در استان آذربایجان غربی، ۶ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده و کارفرمایان با بهانه قرار دادن بحران قصد اخراج شماری از آنان را دارند.

کارفرمایان شرکت‌های پیمانکاری طرف قرار داد با شهرداری شهرستان طیس، ۴ ماه حقوق و مزایای ۷۰ کارگر خود را پرداخت نکرده‌اند.

کارگران شرکت صنایع الکترونیک دماوند و شرکت‌های الکترونیک مدرن و پژوهش سعادت ۱۵ ماه، حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده و مدیران این واحدها تمامی کارگران رسمی و قراردادی را اخراج کرده‌اند.

در مقابل این همه سرکوب و ستم و استثمار جمهوری اسلامی، کارگران خاموش ننشسته و به عناوین مختلف به مبارزه خود در جهت خواست‌ها و مطالبات خود ادامه می‌دهند. در همین هفته‌های گذشته، بخش‌های مختلف طبقه کارگر ایران، دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند.

طی روزهای سه‌شنبه ۱۵ و چهارشنبه ۱۶ اسفند ماه، هزاران نفر از معلمان در اردبیل، شهرستان شهر رضا، اصفهان، مریوان، کرمانشاه و رشت با برگزاری تجمعاتی از خواست‌های معلمان سراسر ایران حمایت کردند.

از ساعت ۸ صبح روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه در تهران، هزاران معلم در مقابل مجلس شورای اسلامی و در دیگر شهرها در مقابل ادارات و سازمان آموزش و پرورش و حتی در متروها تجمع کردند.

کانون‌های صنفی معلمان ایران با صدور فراخوانی خواستار ادامه اعتراضات معلمان در سراسر ایران تا رسیدن به خواست‌هایشان شده است.

معلمان معترض خواستار استیضاح وزیر آموزش و پرورش هستند و به تاخیر در اجرای وعده‌هایی که در مورد دستمزدشان به آنان داده شده معترضند.

غلامعلی حدادعادل، رئیس مجلس جمهوری اسلامی، به جای رسیدگی به اعتراض معلمان، در واکنش به این اعتراض گفته است: «علی‌رغم این که در این تجمعی که به نام معلمان در کنار مجلس برگزار می‌شود گاه شعارهایی داده می‌شود که بوی نامهربانی از آن استشمام می‌شود اما مجلس از مهربانی چیزی کم نمی‌کند چون این جا خانه ملت است.»

تجمع‌کنندگان شعارهایی چون «از فردا مدرسه‌ها تعطیل»، «مجلس به این بی‌غیرتی هرگز ندیده ملتی»، «نظام هماهنگ باید اجرا شود»، «رسانه خصوصی ملی باید گردد»، «وزیر بی‌کفایت، استعفا استعفا» و... سر دادند.

۱۲ هزار کارگر شرکت «کشت و صنعت کارون» شوشتر، روز یکشنبه ۱۳ اسفند ماه، دست به اعتصاب زده و خواستار پرداخت مطالباتشان شدند. کارگران شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر، ۲ ماه حقوق و عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده و نسبت به بی‌توجهی مدیران شرکت در این خصوص معترض هستند.

کارگران اعتصابی اعلام کرده‌اند که در صورت عدم پرداخت مطالباتشان اعتراضات خود را به خیابان‌های شهرستان شوشتر خواهند کشید.

کارخانه کشت و صنعت کارون که اولین کارخانه نیشکر کشور است، با بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان بدهی و واردات بی‌رویه و نیز ضعف مدیریتی، در حال ورشکستگی است. این امر سبب بیکاری حدود ۱۲ هزار نفر خواهد شد. ۸۰ کارگر شرکت «درهای پیش ساخته رجایی»، روز سه شنبه ۱۵ اسفند ماه، در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولین دولتی به مشکلاتشان در مقابل استانداری مازندران اقدام به تجمع نمودند. هم‌اکنون این شرکت تعطیل بوده و ۲۴۰ کارگر نیز در حالی بیکار شده‌اند که بسیاری از مطالبات آنان تاکنون پرداخت نشده است.

کارگران شرکت «کشتی سازی اروندان»، صبح روز سه شنبه ۱۵ اسفند ماه، در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و مزایای معوقه خود در مقابل فرمانداری خرمشهر دست به تجمع زدند.

صبح روز سه شنبه ۱۵ اسفند ماه، کارگران «صنایع الکترونیک دماوند» و شرکت‌های زیر مجموعه ضمن تجمع در مقابل مجلس جمهوری اسلامی خواستار پرداخت مطالباتشان شدند.

همزمان با این تجمع کارگران شرکت «چوب طالقانی» نیز در مقابل مجلس تجمع کرده و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. کارگران شرکت «چوب طالقانی»، ۶ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. کارگران معترض، همچنین بی‌توجهی مسئولین حکومت در خصوص مشکلاتشان را محکوم کردند.

بیش از ۱۵۰ نفر از بازنشستگان روز سه شنبه ۱۵ اسفند ماه، در مقابل مجلس شورای اسلامی، تجمع کرده و خواستار پرداخت پاداش پایان خدمت بازنشستگان شدند.

تجمع کنندگان در این تجمع که از جمله بازنشستگان ارگان‌های مختلف بودند، همچنین خواستار اجرای ماده ۳ قانون برنامه سوم توسعه شدند که بر افزایش حقوق برابر با تورم سالانه تأکید دارد. بازنشستگان معترض در پایان تجمع خود با صدور قطعنامه‌ای رسیدگی و بهبود وضعیت معیشتی خود از سوی مسئولین مربوطه را خواستار شدند.

به دنبال اعتراضات هفته‌های گذشته صدها کارگر شرکت پوشینه بافت قزوین در مقابل ادارات و نهادهای دولتی، نیروهای امنیتی حکومت، طی روزهای گذشته ۵ نفر از کارگران این شرکت را بازداشت کرده‌اند.

بنا به گفته کارگران شرکت پوشینه بافت، فخرالدین موسوی، غضنفر کرمی، رحیم بابا، علیرضا فیضی و فرزین برخوردار، پنج کارگری هستند که از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده و گفته می‌شود ۱۱ نفر دیگر از کارگران نیز با خطر دستگیری روبرو هستند. اداره اطلاعات و امنیت قزوین اتهام نامبردگان را اخلاگری و جلوگیری از تولید عنوان کرده و دستگاه قضایی جمهوری اسلامی نیز از پذیرفتن کفالت جهت آزادی بازداشت شدگان خودداری کرده است.

صدها کارگر شرکت پوشینه بافت قزوین که ۶ ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده و اکنون بیکار هستند طی ماه‌های گذشته چندین بار در مقابل دفتر احمدی نژاد در تهران، استانداری و دیگر نهادهای حکومت در استان قزوین دست به تجمع زدند.

بیش از یک هزار کارگر کارخانه «صنایع فلزی ایران» صبح روز چهارشنبه ۱۶ اسفند ماه، در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و مزایای خود در خیابان‌های اطراف این کارخانه دست به تجمع زدند.

کارگران معترض «صنایع فلزی ایران»، ضمن محکوم کردن اقدامات مدیر عامل شرکت و عدم رسیدگی مسئولین حکومت به خواست‌هایشان تهدید کردند، در صورت عدم پرداخت مطالباتشان جاده قدیم کرج در منطقه «شادآباد» را مسدود خواهند کرد.

هر ساله در ماه اسفند، مردم ایران، هر کس به فراخور حال اقتصادی و اجتماعی خود، به فکر تدارک نوروژ و خریدهای آن می‌افتند. خانواده‌های کارگری و فقیر در این روزها بیشتر در غم و اندوه فرو می‌روند، زیرا قادر به برآورده کردن نیازها کودکان و جوانان خود نیستند. به خصوص امسال در حالی مردم ایران، به استقبال مراسم‌های سال نو می‌روند که در شورای امنیت سازمان ملل، بحث‌هایی برای تشدید تحریم‌های اقتصادی ایران، در جریان است. از سوی دیگر آمریکا، کشورهای همسایه ایران و خلیج فارس و دریای عمان را به انبار سلاح‌های کشتار جمعی از ناوهای جنگی تا هواپیماهای غول پیکر بمب‌افکن و شکاری، توپ و تانک و موشک کرده است و از هر طرف بوی باروت به مشام می‌رسد. روزی نیست که کارشناسان و حتی سران برخی از دولت‌ها و رسانه‌های بین‌المللی از احتمال حملات هوایی و موشکی آمریکا و اسرائیل به ایران، ابراز نگرانی نکنند. امسال کارگران، در حالی روزهای آخر سال را پشت سر می‌گذارند که حداقل دستمزدهایشان ۱۸۳ هزار تومان تعیین شده و صدها هزار کارگر در انتظار پرداخت دستمزدهای معوقه خود هستند. همه این عوامل سبب شده است که اکثریت مردم ایران، همواره با تشویش و نگرانی بیشتر سال نو را آغاز کنند.

در چنین شرایطی، طبیعی است که کارگران و مردم محروم و به ویژه جوانان، جشن‌های چهارشنبه سوری و سال نو را به تجمعات اعتراضی وسیع و گسترده بر علیه حکومت جمهوری اسلامی در میادین شهرها تبدیل کنند.

نباید این بی‌حقوقی‌ها و دستگیری فعالین جنبش زنان در مقطع ۸ مارس، دستگیری کارگران و معلمان معترض و دستگیری دانش‌جویان آزادی‌خواه که ناشی از ترس و وحشت حکومت جمهوری اسلامی از گسترش اعتراضات توده‌ای است را بی‌جواب گذاشت. باید طبقه کارگر با همبستگی و صفوف فشرده سراسری خود در مقابل این همه سرکوب و ستم و استثمار بایستد و جواب مناسب دندان شکنی به سرمایه‌داران و حکومت حامی سرمایه بدهد.

سال ۱۳۸۵، برای میلیون‌ها کارگر و مزدبگیر ایران، سال پر درد و رنج و فشارهای اقتصادی فزاینده و در اثر تعطیلی واحدهای صنعتی، کارخانجات، رکود و ورشکستگی بسیاری از صنایع و اخراج و بیکاری دسته جمعی بود. در سال ۱۳۸۵، براساس اصلاحات اخیر قانون کار، قراردادهای موقت نیز رواج بیشتری یافت. در اوایل سال

۸۵، به دنبال تعیین دو نوع حداقل دستمزد برای کارگران استخدامی و قراردادی، سرمایه‌داران در کمتر از دو ماه نزدیک به ۲۵۰ هزار کارگر را اخراج کردند.

ظاهراً بر اساس ماده ۱۴۱ قانون کار، دولت موظف است حداقل دستمزد کارگران را بر اساس نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و سید حداقل معیشت خانوار کارگری تعیین کند. اما به دلیل این که بانک مرکزی برای تعیین نرخ تورم هر سال سیدی با ۳۶۰ کالا را مورد بررسی قرار می‌دهد که اساساً از کالاهای ضروری زندگی کارگران به شمار نمی‌رود، آمارهایی که از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود ملاک و معیار مناسبی برای افزایش دستمزد کارگران نمی‌باشد. مهم‌تر از همه، بانک مرکزی منافع و مصالح دولت را در نظر می‌گیرد و نرخ تورم را اعلام می‌کند نه براساس تورم شتابان واقعی در بازار. بعلاوه هنگامی که حتی نمایندگان مجلس ارتجاع نیز به احمدی نژاد می‌گویند گوجه فرنگی از ۱۲۰۰ تومان به سه هزار تومان رسیده و به طلای قرمز معروف شده است، بی‌شرمانه می‌گویند بیابید از تره‌بار فروشی سر کوچه ما ۱۲۰۰ بخرید. یعنی در واقع دولت، رسماً و آشکارا به رشد گرانی در بازار شانه بالا می‌اندازد. در چنین شرایطی، این سؤال مطرح است که چگونه بانک مرکزی چنین دولتی، در اعلام نرخ تورم منافع سرمایه‌داران و دولت خود را در نظر نگیرد؟! تورم واقعی بسیار بیشتر از آنچه که بانک مرکزی اعلام می‌کند، است.

این در حالی است که خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های ایران، به نقل از مخبر کمیسیون تلفیق مجلس ش.رای اسلامی، این خبر را داده‌اند که کمیسیون تلفیق مجلس، پیشنهاد دولت در لایحه بودجه سال ۸۶ مبنی بر اختصاص ۱۲۰۰ میلیارد تومان به فعالیت‌های هسته‌ای را تصویب کرد. در لایحه بودجه کل کشور این مبلغ تحت عنوان «مطالعه و احداث نیروگاه هسته‌ای» آمده است. همچنین در لایحه بودجه سال ۱۳۸۶، که اکنون کلیات آن از تصویب مجلس گذشته، سرانه بهداشت دو درصد کاهش یافته، در حالی که اعتبارات کمک به نهادهای مذهبی ۵/۵ درصد افزایش داشته و برای افزایش حقوق پایه بازنشستگان و اجرای نظام هماهنگ پرداخت هیچ اعتباری در نظر گرفته نشده است. در این میان بودجه اختصاصی به ارگان‌های نظامی و اطلاعاتی سرکوبگر نیز مانند همیشه مخفی است.

از سوی دیگر، اخیراً در یکی از اجلاس شورای امنیت سازمان ملل، مطرح شده است که ایران، در میان ده کشوری است که بیشترین هزینه نظامی را دارد. بنا به ارزیابی‌های کارشناسان، ایران سالانه بیش از ۲۰ میلیارد دلار هزینه تسلیحاتی دارد.

شایان ذکر است که سال ۱۳۸۵، با افزایش قیمت ناگهانی نفت به بالاتر از ۶۰ دلار، میلیاردها دلار اضافه بر پیش-بینی دولت به خزانه‌اش واریز گردید. اما با این وجود، گرانی و تورم و بیکاری افزایش یافت. دستمزدهای معوقه کارگران پرداخت نشد. اکنون که شورای امنیت سازمان ملل، ایران را تحریم اقتصادی کرده است و با توجه به این که ایران، حدود ۴۰ میلیارد دلار از غرب واردات دارد، متأسفانه سال ۱۳۸۶ سال خوبی برای اکثریت جامعه ایران، به ویژه کارگران نخواهد بود. زیرا با توجه به سیر صعودی نرخ تورم و گرانی و با توجه به سطح دستمزد بسیار پایین کارگران، سال بسیار سختی خواهد بود و بسیاری از خانواده‌های کارگری در معرض گرسنگی و قحطی واقعی قرار خواهند گرفت. در چنین شرایطی، طبقه کارگر با اتحاد و همبستگی و تشکل سراسری خود نه تنها قادر است حق خود را از حلقوم سرمایه‌داران و حکومت حامی سرمایه بیرون بکشد، بلکه خود را بیش از پیش برای تحولات انقلابی و دست زدن به وظیفه تاریخی خود آماده نماید.

اخیراً یک اقتصاددان به خبرگزاری کار ایران «ایلنا»، گفته است: «با دستمزد کمتر از ۴۰۰ هزار تومان امکان یک زندگی متوسط در دهک‌های پایین جامعه وجود ندارد. به گفته این اقتصاددان: اگر سید خانواری را تعریف کنیم که در آن نیازهای اولیه و نه نیازهای لوکس را قرار دهیم و اجاره خانه، امکانات بهداشتی و دارویی، مواد غذایی و نیازهای اولیه زندگی را در آن سید لحاظ کنیم، با کمتر از ۴۰۰ هزار تومان نمی‌توان این هزینه‌ها را تأمین کرد. به گفته وی، در حال حاضر ۷۰ درصد مردم ایران شهرنشین هستند، بنابراین نمی‌توان نان را الگوی مصرف غذایی شهروندان دانست و اعلام کرد که قیمت مواد اولیه مصرفی جامعه ثابت مانده است. اگر فرض کنیم کسی در تهران بیش از ۳۰۰ هزار تومان دستمزد ماهیانه داشته باشد، از این مبلغ، ماهیانه نزدیک به ۱۵۰ هزار تومان اجاره منزلی در جنوبی‌ترین و حاشیه‌ای‌ترین منطقه شهره بدهد از خوردن گوشت و مرغ، برنج و غیره که غذاهای لوکس در ایران شده‌اند فقط روزی پنج عدد نان لواش با یک کیلو سیب‌زمینی و یک کیلو گوجه‌فرنگی و هفته‌ای یک کیلو روغن نباتی بخرد، با یک حساب سرانگشتی، باید ماهیانه ۱۵۰ هزار تومان فقط برای خرید این چهار قلم جنس، که غذای فقیرترین قشر جامعه است، هزینه کند.»

هزینه‌های دیگر از جمله ایاب و ذهاب، بهداشت و درمان، تهیه لباس، سوخت، هزینه مدرسه، نیازهای کودکان خود را از کجا باید تهیه کند. آن هم در شرایطی که هم‌اکنون دستمزد ماهانه یک کارگر برای سال ۱۳۸۶، ۱۸۳ هزار تومان تعیین شده است؟ آن موقع احمدی‌نژاد، رییس جمهوری تیرخلاص زن حکومت اسلامی، با بی‌شرمی و پررویی می‌گوید: «من نگران مملکت نیستم؟!»

اکنون که «شواری همکاری تشکل‌ها و فعالین کارگری»، توسط کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری، انجمن فرهنگی، حمایتی کارگران، اتحاد کمیته‌های کارگری، جمعی از دانش‌جویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب دانشگاه‌های ایران، جمعی از فعالین کارگری و گروهی از نویسندگان جنبش کارگری، اعلام موجودیت کرده است، روزه جدیدی در جهت تشکل‌یابی و مبارزه سراسری و هدفمند کارگران به وجود آورده است.

همچنین این شورا، در اطلاعیه اعلام موجودیت خود، بلافاصله «به سایر تشکل‌ها و فعالین کارگری و نمایندگان واقعی و دلسوز آنان، فراخوان داده است تا با پیوستن به این «شورا» و حمایت از این قبیل همکاری‌ها و اتحاد عمل‌ها، جنبش کارگری را در ایجاد و ارتباط بیشتر، جهت مقابله با مشکلات و معضلات پیش رو، و کسب حقوق و مطالبات بر حق و انسانی خویش، یاری رسانند». طبیعی است که راه برون رفت از این بن‌بست و بحران موجود،

نفع طبقاتی همه نیروهای جنبش کارگری کمونیستی در این است که باید با کلیه امکانات خود به استقبال این فراخوان بشتابند. زیرا این حرکت به پیش و اقدامی موثر در تشکیل یابی سراسری کارگران ایران است. از این رو، باید به دست‌اندرکاران این حرکت طبقاتی، صمیمانه خسته نباشید گفت و با خلوص نیت و بدون چشم داشت تشکیلاتی و سکتاریستی و تنگ نظرانه به حمایت از این «شورا»، در جهت رشد و گسترش تشکیل‌یابی کارگران برخاست.

تصور کنید اگر نمایندگان همین اعتراضات اخیر بخش‌های مختلف جنبش کارگری، یعنی از کارگران کارگاه‌ها و صنایع تا معلمان و با حمایت و پشتیبانی جنبش زنان و دانش‌جویان و دانش‌آموزان، در مشورت و تبادل نظر و در هماهنگی با یکدیگر به اعتصاب و اعتراض سراسری دست بزنند، آیا نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، توان مقابله با این حرکت عظیم طبقاتی را خواهند داشت؟ قطعاً نه! در چنین موقعیتی است که سران جمهوری اسلامی، مانند اعلیحضرت همایونی، شیون سر خواهند داد که صدای پای انقلاب شما را شنیدم. زنگ خطر صدای انقلاب آتی به پیشگامی طبقه کارگر مدت‌هاست که به گوش سران جمهوری اسلامی رسیده است. همین دستگیری‌های اخیر فعالین جنبش‌های اجتماعی، وحشت آنان از گسترش اعتراضات اجتماعی را به نمایش می‌گذارد. اساساً قدرت طبقه کارگر در اتحاد و مبارزه متشکل و هدفمند است!

* برگرفته از نشریه جهان امروز ۱۸۶، نیمه اول اسفند ۸۶ - نیمه اول مارس ۲۰۰۷